

سازمان رزم و شدت درگیری در عملیات کربلای ۵

پدیدآورنده (ها) : زارع زاده، نادر

میان رشته ای :: نشریه نگین ایران :: زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۴۷

صفحات : از ۱۴۷ تا ۱۷۱

آدرس ثابت : www.defadocs.com

- تعیین کنندگی عملیات کربلای ۵ و تصویب قطعنامه ۵۹۸
- گزارش نبرد لشکر ۲۵ کربلا در عملیات کربلای ۵
- سیر تحول سیاست گذاری نظام حقوقی ایران در حوزه محیط زیست
- پناهندگی در حقوق بین الملل و اسلام با تاکید بر پناهندگی در حرم مکی

عناوین مشابه

- مولفه ها و شاخص های فرماندهی و کنترل سازمان رزم در جنگ های آینده
- آقای مهندس اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه در سخنرانی ماهانه بانک مرکزی گفتند: سرمایه گذاری خصوصی در کشور ما متأسفانه تشویق نشده است و مردم بحق انتظار دارند که روز بروز حجم عملیات عمرانی زیاد شود
- بهره وری و جایگاه آن در ارزیابی عملیات سازمان
- سازمان و عملیات برنامه کنترل عفونت در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- تکنیک های عملیات روانی ترکیه در عملیات چشمه صلح؛ مطالعه موردی: سازمان رادیو و تلویزیون دولتی ترکیه (TRT)
- شکل گیری سازمان رزم سپاه پاسداران در عملیات فتح المبین تاریخ شفاهی دکتر محسن رضایی
- ارائه مدلی برای بررسی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم سازمان یادگیرنده بر درگیری عاطفی - ذهنی کارکنان در نهادهای فرهنگی
- توسعه سازمان رزم و توان نظامی سپاه در دوره آزادسازی/۲؛ گفت و شنودی با سردار احمد غلامپور
- بیش از ۵ هزار عملیات امداد رسانی طی ۱۰ سال گذشته (بررسی عملکرد سازمان امداد و نجات در حوادث سیل و زلزله)
- سازماندهی نظامی و سازمان رزم در تاریخ اسلام

سازمان رزم و شدت درگیری در عملیات کربلای ۵

نادر زارع زاده*

<p>یکی از شاخص‌های اساسی در تعیین سطح گستردگی یک عملیات نظامی، سازمان رزمی طرفین درگیری است. در ارزیابی عملیات بزرگ کربلای ۵، سازمان رزم عملیات نسبت به شاخص‌های دیگر اهمیت بیشتری دارد. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از منابع منتشر شده توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس توان نظامی و سازمان رزم یگان‌های ایران و عراق در سه مقطع پس از عملیات والفجر ۸، آستانه عملیات کربلای ۵ و پس از آن را به صورت تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار داده است.</p>	چکیده		
		واژه‌های کلیدی: جنگ ایران و عراق توان نظامی، سازمان رزم، عملیات کربلای ۵، نبرد شرف بصره.	

مقدمه

اجرای عملیات کربلای ۵ را برعهده داشت، حدود ۳۰ یگان را وارد عمل کرد؛ بازسازی یگان‌ها پس از انجام مأموریت، در همان منطقه عملیاتی صورت می‌گرفت و بلافاصله مأموریت جدیدی به آنها محول می‌شد.^(۱) این در حالی بود که دشمن برای مقابله با تهاجم نیروهای ایران ۱۴۰ تیپ رزمی از لشکرهای مختلف خود را به این منطقه اعزام کرده بود. با وجود این، طی بیش از یک ماه نبرد، خسارات شدیدی به سازمان رزم عراق وارد شد؛ از جمله ۸۱ تیپ و گردان مستقل دشمن به‌طور کامل منهدم شد و ۳۴ تیپ و

یکی از دشوارترین و به یادماندنی‌ترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس، نبرد کربلای ۵ است.^(۱) این عملیات با هدف تهدید شهر بصره و انهدام ماشین جنگی عراق در حدفاصل غرب شلمچه و شرق بصره آغاز شد و از آنجا که دشمن به‌خاطر اهمیت نظامی منطقه بیشترین نیروهای نظامی خود را در آن متمرکز کرده بود، نیروهای خودی توانستند بخش عمده‌ای از ماشین جنگی عراق را نابود کنند.^(۲) سپاه پاسداران که به‌طور مستقل طرح‌ریزی و

* مدیر گروه مطالعات نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

گردان مستقل نیز به میزان ۵۰ درصد آسیب دید.^(۴) عراق در پانک‌هایش از ۱۸۰ تیپ موجود خود، ۱۱۰ تیپ - یعنی حدود دوسوم استعداد کل ارتش بعثی - را وارد منطقه عملیاتی کرد. حضور نظامیانی از ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی عراق در میان اسرا گواه این امر است.^(۵) حجم انهدام یگان‌های ارتش عراق نشان‌دهنده تلفات بالای نیروی انسانی دشمن در نبرد کربلای ۵ است. به گونه‌ای که میزان خسارات عراق در این عملیات فقط با عملیات رمضان و والفجر ۸ قابل مقایسه است. از جنبه فروپاشی ارتش عراق نیز عملیات کربلای ۵ را می‌توان با عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس مقایسه کرد. تلفات ارتش عراق در کربلای ۵ به اندازه‌ای بود که جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق، گفت: «خبری به دست ما رسید که فرمانده سپاه یکم عراق گفته است ما در عملیات کربلای ۵ بیش از ۵۰ هزار تلفات را داشته‌ایم.»^(۶)

بررسی تطبیقی توان نظامی ایران و عراق پس از عملیات والفجر ۸

با گذشت پنج سال از تهاجم ارتش عراق به ایران، به طور طبیعی سازمان رزمی دو کشور توسعه و گسترش یافته بود از این رو تثبیت عملیات والفجر ۸ بیش از هفتاد روز به طول انجامید. ابوغزاله وزیر دفاع مصر، در کتاب خود در زمینه جنگ ایران و عراق، در تحلیل توان نظامی طرفین درگیری می‌نویسد:

«ایران با مشکلات پیچیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کرد. این کشور قادر به بسیج کردن بیش از یک میلیون تن نبود. ارتش حدود ۳۰۵ هزار و سپاه و بسیج حدود ۳۵۰ هزار تن نیرو داشتند. ایران تقریباً ۱۰۰۰ تانک رزمی و حدود ۱۴۰۰ خودرو زرهی و بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ واحد توپخانه داشت و نیروی هوایی ۳۵ هزار نفره ایران حدود ۸۰ فروند پرنده قابل استفاده داشت. در مقابل، ارتش عراق و جیش شعبی حدود ۸۰۰ هزار تن نیرو داشتند که ۲۳۰ هزار تن آنها سرباز احتیاط بودند. عراق حدود ۴۵۰۰ تانک رزمی، ۴۰۰۰ خودرو زرهی و بیش از ۵۰۰۰ واحد توپخانه داشت. نیروی هوایی ۴۰ هزار نفره این کشور نیز ۵۰۰ پرنده قابل استفاده داشت.»

این نویسنده مصری در بخش از کتاب خود با ارائه آماری از داشته‌ها و توانمندی‌های ایران و عراق، میزان توانایی نظامی قوای طرفین درگیری را به نمایش گذاشته است.

در کربلای ۵ ایران و عراق در حالی سازمان رزم خود را چیدند که تجربه ۶ سال جنگ و پختگی در بهره‌گیری کامل از جغرافیای نظامی در مناطق مختلف عملیاتی را در کارنامه خود داشتند. در واقع کربلای ۵ آزمایشگاه چیدمان دو سازمان رزم بود که آفند و پدافند را توأمان به کار می‌بردند، در این عملیات دو طرف تاکتیک ویژه "سازماندهی یگان در منطقه عملیاتی" را به کار گرفتند. نظر به اهمیت موضوع سازمان رزم در عملیات کربلای ۵ در این مقاله ضمن بررسی آخرین وضعیت و استعداد رزمی خودی و دشمن به شرح مختصر عملیات پرداخته شده است. در تشریح عملیات با بهره‌گیری از خاطرات حمدانی یکی از فرماندهان گارد ریاست‌جمهوری عراق، چگونگی انهدام یک یگان دشمن از زبان فرمانده آن آورده شده است - هر چند که این فرمانده ارشد عراقی کوشیده شجاعت نیروهایش را پر رنگ و

مقایسه توان رزمی عراق و ایران

نسبت عراق به ایران	عراق	ایران	ردیف
۱/۲۲	۸۰۰۰۰۰	۶۵۵۰۰۰	نیروی انسانی رزمی
۴/۵	۴۵۰۰	۱۰۰۰	تانک زرهی
۶/۸۵	۴۰۰۰	۱۴۰۰	خودرو زرهی
۶/۲۵	۵۰۰۰	۸۰۰	توپخانه
۶/۲۵	۵۰۰	۸۰	هوایمای قابل استفاده

توانایی لازم برای بازپس گیری مناطق از دست رفته و در نهایت کسب آمادگی لازم برای ورود به مرحله تهاجمی دنبال شد. عواملی مثل بسیج همه امکانات و نیروهای کشور در خدمت جنگ، تمرکز فرماندهی و اداره توأمان جنگ و کشور - که از سیستم سیاسی کارآمد عراق نشئت می گرفت - در دستیابی این کشور به اهداف مورد نظرش نقش داشت.

سپهبد رعد حمدانی فرمانده سپاه دوم گارد ریاست جمهوری عراق در زمینه توسعه نیروهای گارد می گوید: «صدام همیشه فاو را موضوع مهم و اصلی عراق می دانست، چون او مکرراً از آزادسازی سرزمین های عربی که ایران آنها را اشغال کرده بود صحبت می کرد. صدام فهمیده بود که نیرویی که می تواند به آن اتکا کند و فاو را پس بگیرد، گارد ریاست جمهوری است، البته اگر به آن فرصت کافی برای آموزش و گسترش می داد.

بنابراین، صدام با موضوع دو برابر کردن استعداد این نیرو و افزایش تعداد لشکرهای آن به ۸ یا ۱۰ لشکر کنار آمد. او بلافاصله با طراحی یک برنامه گسترده امکان عضوگیری این نیرو را با حقوق بالا فراهم کرد. قبلاً برای پیوستن به این یگان یک سیستم انتخاب و گزینش وجود داشت، اما اکنون استخدام در آن برای همه آزاد بود. ما به عضوگیری از میان دانشجویان دانشگاه ها که از سطح مناسبی از آموزش

پس از طرح ریزی و اجرای موفقیت آمیز عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو، ارتش عراق با اتخاذ راهبرد دفاع متحرک در چندین جبهه به اقدامات آفندی مبادرت ورزید. در یکی از این حملات، نیروهای ارتش عراق توانستند شهر مهران را تصرف کنند. به دنبال آن، نیروهای ایران با انجام عملیات کربلای ۱ شهر مهران را آزادساخته و راهبرد دفاع متحرک ارتش عراق را در همان آغاز ناکام ساختند. با آزادسازی مهران به دست نیروهای ایرانی، مقامات عالی رتبه عراق و ژنرال های ارتش این کشور، هشدار دادند که ایرانیان ممکن است هر آن دست به حمله نهایی زده و با اقدام به حمله در بیش از یک منطقه در صدد نابود کردن آخرین توان عراق برآیند. به همین دلیل، عراق کوشید به تدریج شیوه جنگی دفاعی خود را تغییر دهد و راهبرد تهاجمی را برگزیند و در این خصوص زمینه سازی های لازم را نیز انجام داد. در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ تغییرات گسترده ای در ارتش عراق روی داد که از جنبه های گوناگون اهمیت داشت. گسترش سازمان رزم، تقویت توپخانه، خرید تسلیحات و بهره گیری از آتشبار هوایی بخشی از تلاش های عراقی ها در این زمینه بود.

افزایش توان رزمی عراق در این سال ها به اشکال گوناگون و با اهدافی کلیدی چون بازداشتن و متوقف کردن عملیات های جمهوری اسلامی ایران؛ ایجاد

گارد ریاست جمهوری نیز تشکیل شد. لشکرهای مدینه منوره و حمورابی زرهی بودند و لشکر بغداد و بخت‌النصر واحدهای پیاده بودند. سپس لشکر کماندو در داخل واحدهای عملیات ویژه تشکیل شد. با این حال صدام نتوانست ۸ تا ۱۰ لشکر تشکیل دهد. ارتش نیز ۵ لشکر به واحدهای خود اضافه کرد. گارد ریاست جمهوری از لشکر به یک سپاه با ۵ لشکر گسترش یافت.

دوره‌های آموزشی مستمر، شب و روز ادامه می‌یافت و ما به سطح محدودی از آمادگی دست یافتیم. صدام پایه‌پای ما می‌آمد تا از نوع آموزش‌ها و آمادگی نیروها مطلع شود. حسین کامل داماد صدام، ناظر امور و مسئول تقاضاها و دریافت آنها در گارد ریاست جمهوری بود و همه نیازهای ما را او تهیه می‌کرد. او نقطه تماس ما با صدام بود. بودجه هنگفتی برای عضوگیری و برنامه‌های آموزشی صرف شد. هر افسری که قرار بود به گارد ریاست جمهوری بپیوندد مجبور بود خود را عرض ۷۲ ساعت به مراکز آموزشی معرفی کند، در غیر این صورت فرمانده تیپ یا لشکر مورد بازخواست قرار می‌گرفت. میادین آتش و تیراندازی و اردوگاه‌های آموزشی شبانه‌روز فعالیت می‌کردند.^(۷)

بررسی تطبیقی توان نظامی ایران و عراق در آستانه عملیات کربلای ۵

الف) قوای نظامی عراق

دشمن پس از آنکه ایران را در عملیات کربلای ۴ متوقف کرد، درصدد برآمد ابتکار عمل را به دست گرفته از فرصت پیش‌آمده بهره‌برداری کند و به فاو حمله کند. شواهد و قرائن نیز نشان می‌داد که چنانچه در شرایط موجود تغییری ایجاد نمی‌شد، دشمن برتری را از آن خود می‌ساخت؛ زیرا عراقی‌ها از یک سو تبلیغات گسترده‌ای را تحت عنوان شکست عملیات سرنوشت‌ساز ایران آغاز کرده بودند و از

برخوردار بودند پرداختیم و حتی سران قبایل را برای استخدام جوانان دخیل کردیم.

ارتش یک اردوگاه بزرگ در هبانیه، در استان الانبار تأسیس کرد تا بتواند به حجم عظیم داوطلبان پاسخ دهد. در همین زمان، گزینش افسران با صلاحیت از ارتش عراق ادامه داشت. تقریباً طی ۶ تا ۸ ماه سیستم عضوگیری فعال بود و توانست واحدهای مختلف زرهی و پیاده را در این پادگان تشکیل دهد. این واحدها عبارت بودند از: تیپ ۷، تیپ ۸ پیاده مکانیزه،

تیپ ۹ زرهی و تیپ ۱۲ کماندو. تیپ ۱۲ کماندو شبیه سایر تیپ‌های کماندویی نبود بلکه چیزی شبیه به واحد پیاده و نیروی ویژه بود که ما نام آن را "مغاییر" گذاشتیم. به این ترتیب، تیپ ۲۱ مغاییر، تیپ ۲۶ عملیات ویژه، تیپ ۱۶ عملیات ویژه، تیپ ۲۶ عملیات ویژه دریایی و تیپ مأموریت دریایی تشکیل شدند. یگان آخر از غواصان تشکیل شد. تیپ غواصان در دریاچه هبانیه آموزش‌های غواصی و تک انجام می‌داد. استادان آنها متخصصانی بودند که فکر می‌کنم از مصر برای

آموزش آمده بودند، تعدادی نیز افسر ارشد بودند که جنگ دریایی را می‌شناختند و با فناوری‌های زیر آبی آشنا بودند.

نیروی زمینی نیز بر قابلیت‌های توپخانه‌ای افزود و گردان‌های آن را توسعه داد. توسعه تجهیزات و مهمات و روند تدارکات گارد ریاست جمهوری با آموزش‌های بیشتر توسعه یافت. این آموزش‌ها در مناطق سخت مثل نخلستان و مرداب‌ها ادامه یافت. لشکرهای مدینه منوره، حمورابی و بغداد

با شروع عملیات کربلای ۵ و در طول آن مجموعاً ۸۶ تیپ ارتش بعثی شامل ۶۲ تیپ پیاده، ۱۱ تیپ زرهی، ۸ تیپ مکانیزه و ۵ تیپ نیروی مخصوص وارد منطقه عملیات کربلای ۵ شدند.

سپاه سوم به این منطقه اعزام شدند. واحدهایی از سپاه چهارم هم بعداً به منطقه آمدند.

ب) قوای نظامی ایران

برای اجرای عملیات کربلای ۴، ۲۵۰ گردان ۵۰۰ نفره پای کار آمده بودند که حدود ۶۰ گردان آن در این عملیات به کار گرفته شد. بنابراین حدود ۸۰ درصد این نیروها پس از عملیات کربلای ۴ دست نخورده و با آمادگی کامل برای عملیات کربلای ۵ در اختیار قرارگاه مرکزی عملیات بودند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجموعاً ۲۱۵ هزار نفر را در قالب ۱۶ لشکر و ۸ تیپ مستقل به استعداد ۲۲۰ گردان هجومی و ۴۵ گردان توپخانه در عملیات کربلای ۵ به کار گرفت. در این عملیات ۳ قرارگاه کربلا، قدس و نجف از سپاه هدایت نبرد را بر عهده داشتند. علاوه بر این سازمان مهندسی جهادهای فارس، نجف‌آباد، کرمان و همچنین تیپ‌های مهندسی ۴۲ قدر و جوادالائم سپاه نیز در این عملیات حضور داشتند.^(۱۰)

سوی دیگر با تشدید حملات هوایی و ادامه جنگ شهرها و تلاش برای بازپس‌گیری فاو، سعی داشتند، موازنه قوا را به‌طور کامل به نفع خود تغییر دهند. در چنین شرایطی و براساس تجارب سال‌های گذشته، دشمن گمان می‌کرد، عملیات احتمالی سالانه ایرانی‌ها در جنوب و در حد تک‌ایدایی در فاو یا تکرار بخشی از کربلای ۴ خواهد بود. از این رو، ارتش عراق اصرار داشت تا از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و موازنه جنگ را دگرگون کند. در واقع، بازپس‌گیری فاو اولویت ارتش عراق پس از عملیات کربلای ۴ به شمار می‌رفت.^(۸) اطلاعات به‌دست‌آمده، نشان می‌داد فقط ظرف یک روز، دشمن بیش از ۵۰۰ خودرو به فاو منتقل کرده بود و این تحرکات در منطقه فاو حاکی از عدم حساسیت دشمن به منطقه شلمچه و کربلای ۵ بود.^(۹)

پیش از آغاز عملیات کربلای ۵، مجموعاً حدود ۸ تیپ ارتش عراق به پدافند از منطقه مشغول بودند. لشکر ۱۱ پیاده ارتش بعثی هم مأمور دفاع از منطقه شلمچه بود. سپاه سوم عراق به فرماندهی سپهد طالع خلیل‌الدوری با کمک سپاه هفتم مسئولیت منطقه را برعهده داشت. با شروع عملیات کربلای ۵ و در طول آن مجموعاً ۸۶ تیپ ارتش بعثی شامل ۶۲ تیپ پیاده، ۱۱ تیپ زرهی، ۸ تیپ مکانیزه و ۵ تیپ نیروی مخصوص وارد این منطقه شدند. بخشی از یگان‌های فوق واحدهای کماندویی سپاه‌های دوم و پنجم بودند که از مناطق کوهستانی برای کمک به

اطلاعات به‌دست‌آمده، نشان می‌داد فقط ظرف یک روز، دشمن بیش از ۵۰۰ خودرو به فاو منتقل کرده بود و این تحرکات در منطقه فاو حاکی از عدم حساسیت دشمن به منطقه شلمچه و کربلای ۵ بود.

سپاه	تیپ پیاده	تیپ زرهی	تیپ مکانیزه	تیپ نیرو مخصوص	جمع
سپاه هفتم	۲۰ تیپ	۲ تیپ	۲ تیپ	۱ تیپ	۲۵ تیپ
سپاه سوم	۲۳ تیپ	۳ تیپ	۳ تیپ	۱ تیپ	۳۰ تیپ
سپاه ششم	۸ تیپ	۲ تیپ	۱ تیپ	۱ تیپ	۱۲ تیپ
سپاه چهارم	۱۱ تیپ	۴ تیپ	۲ تیپ	۲ تیپ	۱۹ تیپ
جمع	۶۲ تیپ	۱۱ تیپ	۸ تیپ	۵ تیپ	۸۶ تیپ ^{۱۰}

*جدول استعداد ارتش عراق در آستانه عملیات کربلای ۵ برگرفته از کتاب نبرد شرق بصره نوشته محمد درودیان، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، صص ۲۰۳ تا ۹۸.

مجموعاً یک مأموریت واحد تلقی می‌شد، مقرر گردید که قرارگاه کربلا جای پای اولیه را تصرف کند، سپس قرارگاه‌های قدس و نجف مأموریت عبور و تعمیق عملیات را عهده‌دار شوند.^(۳)

سازمان رزم نهایی سپاه برای عملیات کربلای ۵ به شرح زیر تعیین شد (جداول صفحه بعد):*

شرح مختصر عملیات کربلای ۵ به روایت یکی از فرماندهان ارشد عراق** (با تأکید بر سازمان رزم)

پس از تشریح سازمان رزم عملیات کربلای ۵، در این بخش شرح اجمالی عملیات کربلای ۵ به روایت یکی از فرماندهان ارشد ارتش عراق با تأکید بر سازمان رزم عملیات درج شده است. در این رابطه سپهبد رعد حمدانی فرمانده سپاه دوم گارد ریاست جمهوری عراق می‌گوید: «پس از حمله کربلای ۴ ایران، با این تصور که به دشمن تلفات سنگینی وارد آمده است در سطح جامعه نوعی آسودگی خاطر حاکم شد و مردم فکر کردند که ایران برای انجام عملیات بعدی حداقل به شش ماه زمان نیاز دارد. در همین زمان فقط بعد از ۲ هفته در شب‌های ۹ و ۱۰/۱/۱۹۸۷ م (۱۹ و ۲۰ دی‌ماه ۱۳۶۵ ش) دشمن حمله بزرگی ترتیب داد و تقریباً از همان محورهای حمله پیشین وارد عمل شد. محور عملیاتی اول دشمن، محور محمره (خرمشهر) - شلمچه - التومه - بصره و محور عملیاتی دومش عبارت بود از یک زاویه قائمه در امتداد دریاچه ماهی - التومه - بصره (در محور عملیاتی سپاه سوم عراق). لشکر ۱۱ به

ج) سازمان رزم قرارگاهی و یگانی عملیات کربلای ۵

پس از آنکه مسدودشدن راهکارهای عملیات کربلای ۴ قطعی شد، بعدازظهر روز ۵/۱۰/۱۳۶۵، فرمانده سپاه به‌منظور یافتن راهی برای ادامه جنگ جلسه‌ای را در قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) برگزار کرد که نتیجه آن انتخاب منطقه شلمچه برای عملیات بعدی بود. پس از موافقت آقای هاشمی (فرماندهی جنگ) با این پیشنهاد، طی جلسه‌ای مقرر شد سپاه در اولین گام به‌منظور آماده‌کردن یگان‌ها و فراهم‌کردن مقدمات عملیات، براساس توان خود به تشکیل ۴ قرارگاه در مناطق زیر اقدام کند.^(۱)

۱) قرارگاه کربلا در منطقه شلمچه

۲) قرارگاه قدس در منطقه هور

۳) قرارگاه نوح در منطقه فاو

۴) قرارگاه نجف در منطقه سومار و خانقین.

با این اقدام دو هدف دنبال می‌شد؛ نخست فراهم‌ساختن مقدمات عملیات در تمام مناطق ذکرشده تا هر منطقه‌ای که سریع‌تر آماده شد مورد بهره‌برداری قرار گیرد. دیگر اینکه اگر به هر دلیل عملیات در شلمچه متوقف شد، از سایر مناطق به‌عنوان طرح جانشین استفاده شود.

علاوه‌براین، به‌کارگیری تمامی مسئولان قرارگاه‌ها و یگان‌ها به‌منظور ازبین‌بردن تبلیغات عملیات کربلای ۴ نیز از ضروریات بود و به نظر می‌رسید که منطقه عملیاتی شلمچه به‌تنهایی شرایط لازم مأموریت تمامی یگان‌ها را دارا باشد.

د) سازمان رزم نهایی عملیات کربلای ۵

با قطعی‌شدن اجرای عملیات در شلمچه، برخلاف تدبیر اولیه مبنی بر تقسیم قرارگاه‌ها در مناطق مختلف جنوب و غرب، کلیه قرارگاه‌ها و یگان‌ها در منطقه عملیاتی شرق بصره تمرکز یافتند و آماده اجرای عملیات شدند. البته نظر به اینکه عملیات در شلمچه، زمین پنج‌ضلعی، کانال پرورش ماهی و پاسگاه بویان

* البته این سازمان در هنگام اجرای عملیات به‌دلیل پاره‌ای از مسائل تغییر کرد.
** گفته‌های حمدانی از این جهت حائز اهمیت است که وی یکی از نظامیان قدیمی عراقی بوده و مدتی را در لشکر و سپاه گارد ریاست‌جمهوری در عالی‌ترین سطوح خدمت می‌کرده است، او در طول خدمت خود تجربیات فراوانی را از نبرد با رزمندگان اسلام داشته است. بنابراین از گفته‌های او می‌توان درک کرد که رزمندگان اسلام در کربلای ۵ در چه شرایطی توانسته‌اند بر دشمن فائق آیند.

۱. قرارگاه کربلا: در منطقه شلمچه

یگان	جهادهای تحت امر
لشکر ۲۵ کربلا لشکر ۱۹ فجر لشکر ۴۱ ثارالله لشکر ۳۱ عاشورا لشکر ۱۰ سیدالشهدا لشکر ۵ نصر لشکر ۲۱ امام رضا ^(ع) تیپ ۱۲ قائم تیپ ۱۸ الغدير	جهاد فارس جهاد نجف آباد جهاد کرمان تیپ مهندسی جوادالائمه لشکر مهندسی ۴۲ قدر

۲. قرارگاه قدس: در منطقه هور

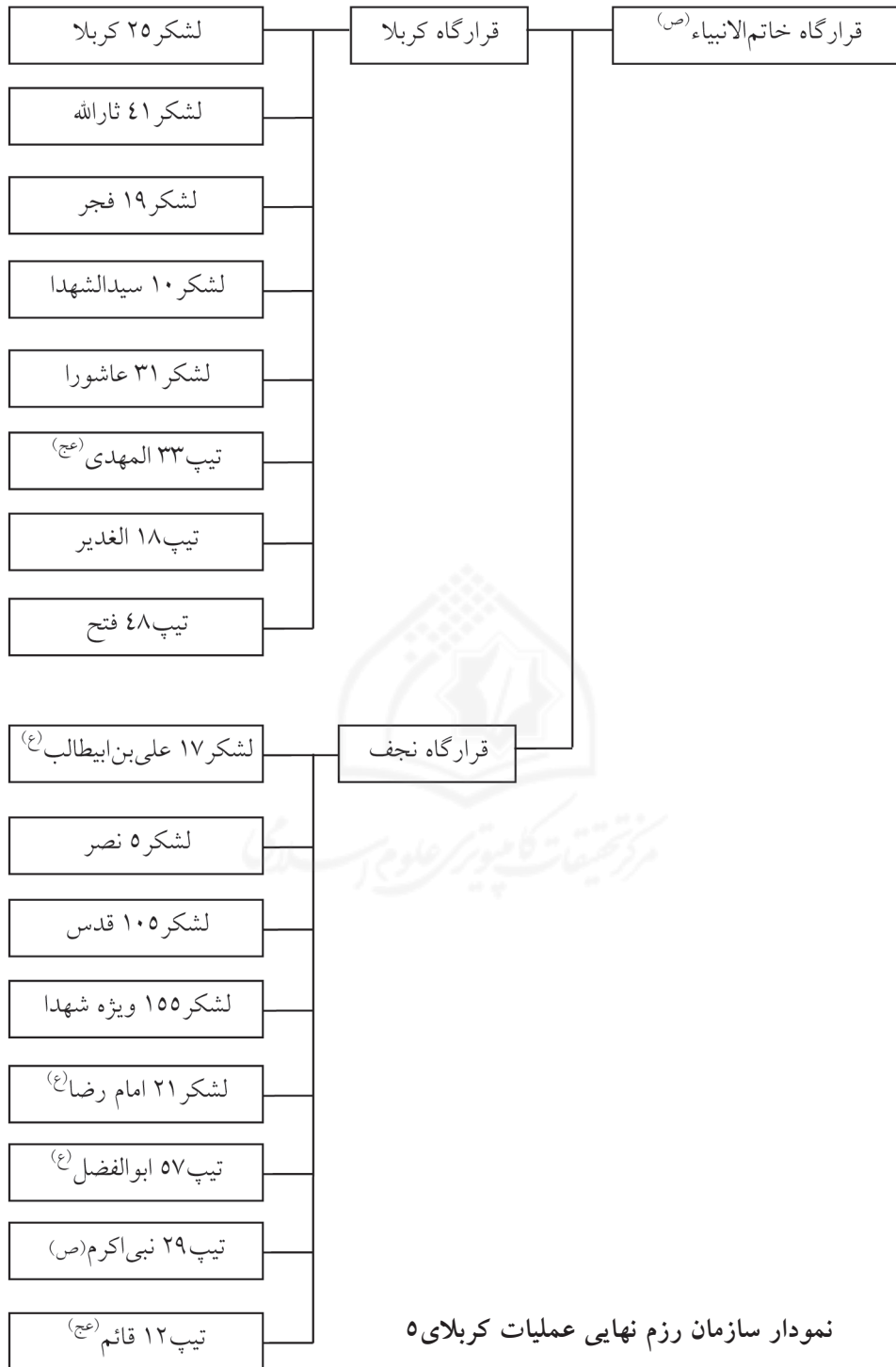
یگانها	جهادهای تحت امر
لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب ^(ع) لشکر ۱۴ امام حسین ^(ع) لشکر ۸ نجف لشکر ۱۳۲ انصار تیپ ۴۴ قمر تیپ ۹ بدر	جهاد اصفهان جهاد خراسان جهاد دامغان جهاد همدان تیپ ۴۲ امام علی ^(ع)

۳. قرارگاه نوح: در منطقه فاو و اسکله‌های البکر و العمیه در شمال خلیج فارس

یگان	جهاد تحت امر
ناوتیپ کوثر ناوتیپ امیرالمؤمنین ^(ع)	- -

۴. قرارگاه نجف: در منطقه سومار - خانقین

یگان	جهاد تحت امر
لشکر ۲۷ حضرت رسول لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا لشکر ۱۶ قدس تیپ ۲۹ نبی اکرم ^(ص) تیپ ۵۷ ابوالفضل تیپ ۴۸ فتح ^(۱۲)	- -



ابراهیم حماس - که در اصل از دو تیپ ۲ و ۱۰ زرهی تشکیل می‌شد - نیز دستور آماده‌باش داده شد. تیپ ۲ زرهی گارد ریاست جمهوری به فرماندهی سرهنگ ستاد احمد الراوی نیز پیشاپیش به همراه لشکر بغداد گارد ریاست جمهوری حرکت کرده بود.

هم‌زمان با حضور ما در منطقه، محور الدوعیجی به دست دشمن افتاده بود. همچنین منطقه موسوم به "خشم البحیره" و مناطق کوت سواری و کناره

شرقی دریاچه ماهی نیز به تصرف ایرانیان درآمد. این در حالی بود که لشکر بغداد و تیپ ۲ زرهی گارد ریاست جمهوری - که زیر امر فرمانده ما بودند با شجاعت و تلاش فراوان در محور شرقی میدان درگیری می‌جنگیدند. در همین حال، لشکر ۱۱ که (به‌عنوان مسئول آن منطقه) مسئولیت عملیات را برعهده داشت، درحالی‌که مرتب با نیروهای کمکی تقویت می‌شد، با شجاعت به نبرد ادامه می‌داد در ساعت ۱۳:۰۰ روز ۱۹۸۷/۱/۲۰ م (۳۰ دی

فرماندهی سرتیپ ستاد عبدالواحد شنان، وظیفه دفاع در محور اول را برعهده داشت و لشکر هشتم به فرماندهی سرتیپ ستاد ابراهیم الشیخ‌الآغا، از محور دوم پدافند می‌کرد. علاوه‌براین، تشکیلات لشکر ۱۲ زرهی به فرماندهی سرتیپ ستاد ریاض طه و لشکر ۵ پیاده مکانیزه به فرماندهی سرتیپ ستاد حسن یوسف نیز به‌عنوان نیروهای احتیاط عمل می‌کردند و این در حالی بود که لشکر ۳ زرهی به فرماندهی سرتیپ ستاد سلمان حامد هم از منطقه درگیری دور نبود. عملیات به‌سرعت آغاز شد و دشمن در ابتدا موفق شد موفقیت‌هایی را در هر دو محور به دست آورد. در اینجا دروغ‌های فرماندهان سپاه سوم طالی‌الدوری و سپاه هفتم ماهر عبدالرشید برملا شد و بغداد بالاخره متوجه شد که آنها در اعلام تعداد تلفات ایرانی‌ها غلو کرده و آن را ۱۰ برابر چیزی که بود اعلام کرده‌اند.^(۱۴) نیروهای ایرانی با امواج انسانی حمله کردند. آنها با عبور از مرز مواضع را گرفتند. ایرانی‌ها در نبردهای خود هیچ مانوری انجام ندادند و به نبرد تن به تن پرداختند. این نبرد بسیار شدید بود؛ بیش از ۵ هزار تانک و توپ در این منطقه کوچک به‌سمت یکدیگر آتش گشودند. بمباران این منطقه باورنکردنی بود و بر اثر آن همه چیز نابود شد. من شخصاً نام آن را قتلگاه جنگ ایران و عراق گذاشتم. این منطقه در سطحی بود که سپاه‌ها ارتباط خود را از دست دادند. چون ایرانی‌ها با امواج انسانی حمله کردند.

باتوجه به سرعت عملیات، به لشکر بغداد گارد ریاست جمهوری دستور داده شد هرچه سریع‌تر به‌سمت منطقه شرق بصره حرکت کند. این لشکر که فرماندهی آن را سرتیپ ستاد کامل ساجت برعهده داشت به‌تازگی تشکیل شده بود. همچنین مقر نیروهای گارد ریاست جمهوری (که در مقر سابق سپاه گارد ریاست جمهوری قرار داشت) نیز جابه‌جا شد. پس از حرکت این یگان‌ها، به لشکر مدینه منوره گارد ریاست جمهوری به فرماندهی سرتیپ ستاد احمد

با آزادسازی مهران به‌دست
نیروهای ایرانی، مقامات عالی‌رتبه
عراق و ژنرال‌های ارتش این
کشور، هشدار دادند که ایرانیان
ممکن است هر آن با اقدام به
حمله در بیش از یک منطقه
درصد نابود کردن آخرین توان
عراق برآیند.

۱۳۶۵ ش) جانشین فرماندهی کل به سرتیپ ستاد حسین رشید فرمانده گارد ریاست جمهوری، در مقر این گارد در منطقه الجبسی، دستور داد به‌سرعت عملیات متقابلی را ترتیب دهد. اجرای این عملیات به لشکر ما و ۳ تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری، تیپ ۶ پیاده گارد ریاست جمهوری و تیپ ۱۵ مکانیزه از لشکر ۵ پیاده مکانیزه واگذار شد. بدین ترتیب تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری به فرماندهی سرهنگ ستاد ضیاء ماهر التکریتی که در روستای الجبسی در

رخ داد که فرمانده جایگزین هنوز درگیر کارهای اداری اش بود. در حادثه عجیب دیگری، شلیک تنها یک گلوله خمپاره ۱۳۰ میلی متری دشمن بیش از ۳۰ افسر و سرباز از نیروهای توپخانه ما را به خاک و خون کشید. این گروه از افسران و سربازان مشغول تعمیر و مرمت موقعیت یکی از توپخانه‌ها بودند که از مسیر خارج شده بود و به آرامی پشت سر تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری که در منطقه الجبسی بود، حرکت می‌کردند. پس از این حادثه، فرمانده تیپ ۱۵ پیاده مکانیزه هم مجروح شد و بعد از آن مشکلات یکی پس از دیگری شروع شد. فریاد نظامیان و درخواست کمک از طریق بی‌سیم‌ها و تلفن‌ها فرماندهان را به ستوه آورده بود. آن شب یکی از بدترین شب‌های لشکر شجاع ما بود. صبح روز بعد، تشکیلات نظامی ما آن طور که انتظار می‌رفت در خط مقدم حمله کامل نشده بود و در چنین شرایطی بود که اطلاع یافتیم که ارتباط ما با مقر برخی تیپ‌ها (از جمله تیپ ۴۵ از لشکر یازدهم، تیپ ۴۶ از لشکر ۱۲ زرهی، تیپ ۴۲۹ و تیپ ۶۶ نیروهای ویژه) قطع شده است. همچنین بسیاری از تیپ‌های زرهی از جمله تیپ ۳۷ زرهی به فرماندهی سرهنگ ستاد علی الشیخلی در شب‌های گذشته منهدم شده بودند.

منطقه عملیاتی از سمت جنوب با تعداد زیادی درخت خرما پوشیده شده بود. موقعیت یگان‌های ما در سمت شرق هم هر لحظه بدتر می‌شد، زیرا با تعداد زیادی از نیروهای دشمن مواجه بودند.

صبح روز ۱۹۸۷/۱/۲۱ م (۱ بهمن ۱۳۶۵ ش) زمان شومی برای ما بود، زیرا بخش اعظمی از تیپ ۱۵ پیاده مکانیزه در بین راه در فاصله رودهای جاسم و دوعیج در هم کوبیده شد و تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری نیز در خط دفاعی اول ما به شدت توسط نیروهای اندک دشمن متلاشی شد. همچنین ارتباط ما با تیپ ۶ پیاده گارد ریاست جمهوری نیز که هنوز در نخلستان‌های اول مستقر بودند قطع شد.

حداصل التنومه و شلمچه در نزدیکی پل خالد در جاده منتهی به بصره مستقر بود به همراه تیپ ۶ پیاده گارد ریاست جمهوری به فرماندهی سرهنگ ستاد غالب الشیخلی و تیپ ۱۵ مکانیزه از لشکر ۵ پیاده مکانیزه (از جیش‌الشعبی) به فرماندهی سرهنگ ستاد یاسین از منطقه الزریجی در شرق بصره به ما ملحق شدند. زمان حمله رأس ساعت ۱۵:۰۰ همان روز تعیین شده بود و این در حالی بود که حرکت نیروها و تدارکات جنگی به علت ناهمواری منطقه عملیات به سختی انجام می‌شد. در این شرایط ورود این تجهیزات به نقطه آغاز عملیات (خط جاسم) تا پیش از غروب آفتاب هم به یک معجزه نیاز داشت، چه برسد به اینکه بخواهند خود را پیش از ساعت ۱۵:۰۰ که برای آغاز عملیات تعیین شده بود به منطقه عملیاتی برسانند! در واقع، این طرح از ابتدا بر اطلاعات غیر دقیقی بنا شده بود. شاید قرارگاه گارد ریاست جمهوری فکر می‌کرد این مسیر یک مسیر هموار است درحالی‌که کل محاسبات نقشه‌ها با واقعیت‌های میدان نبرد مغایرت داشت. محاسبات نادرست فرماندهی کل باعث شد تصویر درستی از مسئله به آنها منعکس نشود و در نتیجه آنها بخواهند عملیات تا قبل از طلوع آفتاب روز بعد تمام شود. در هر حال عملیاتی که فقط چند ساعت برای اجرای آن در نظر گرفته شده بود، چندین روز طول کشید و با حوادث ناخوشایندی همراه شد؛ حوادثی نظیر مجروح شدن فرمانده تیپ ۶ گارد ریاست جمهوری که فرماندهی یگان‌های خط مقدم را برعهده داشت؛ این حادثه درست زمانی

عراق در جریان پاتک‌هایش ۱۱۰ تیپ - از ۱۸۰ تیپ موجود یعنی حدود دوسوم استعداد کل ارتش بعثی - را وارد منطقه عملیاتی کرد. حضور نظامیانی از ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی عراق در میان اسرا گواه این امر است.

در امان ماندن از آتشبارهای دشمن، خود را به پشت خاکریزهایی که در دو طرف جاده تعبیه شده بود، رساندم و پناه گرفتم در همین حال متوجه شدم نفربرهایی که در جاده در آمدوشد هستند علامت تیپ مورد نظر را دارند، لذا یکی از آنها را متوقف و خواهش کردم مرا به مقر فرمانده تیپ برساند. به این ترتیب، توانستم به سرعت خود را به خط اول دفاعی یعنی محل استقرار تیپ ۱۵ برسانم. مرا در فاصله ۳۰۰ متری از مقر پیاده کردند، چون پیشروی بیشتر از آن

درست در همین موقع بود که فرمانده لشکر ما فهمید دیگر امیدی به نجات و پیروزی نیست و این بار برخلاف دفعات گذشته بخت با ما سر یاری ندارد و کمر ما خمیده تر و خمیده تر می شد. زنگ تلفن ها لحظه ای قطع نمی شد و یگان ها مرتب با ما تماس می گرفتند و می خواستند وضعیت را از فرمانده گارد ریاست جمهوری جویا شوند، می گفتند خیلی تأخیر کرده ایم، می خواستند بدانند چرا به آنها نمی رسیم، از ما می خواستند عجله کنیم، عاجزانه آخرین اخبار را از ما طلب می کردند و از موقعیت و محل استقرار تیپ ۱۵ پیاده مکانیزه و وضعیت آن پرس و جو می کردند.^(۱۵)

از طرفی دیگر ستاد مستقر در بغداد مرتب از ما می خواست که پیشروی کنیم و دشمن را تا مرز عقب برانیم. انتظارات فرماندهان مستقر در بغداد از آنچه در زمین و میدان جنگ رخ می داد، فراتر بود.^(۱۶)

در این شرایط بود که من به دو دلیل برای کمک به آنها داوطلب شدم. اول اینکه با خود عهد بسته بودم که فرمانده را تحت هر شرایطی و به هر قیمتی یاری کنم و دوم اینکه معتقد بودم اگر کسی در چنین شرایط سختی قرار بگیرد و از ما درخواست کمک کند حرام است که به ندای او پاسخ ندهیم. من آماده رفتن شده بودم که سرهنگ ستاد قیس الاعظمی رئیس ستاد لشکر، وارد شد و اعلام کرد که خط دفاعی نهر جاسم به جز چند نقطه محدود، سقوط کرده است و ما همچنان در تلاش هستیم که ارتباط خود را با آنها برقرار کنیم. وقتی از هدف فرمانده خود باخبر شدم، سعی کردم خود را به تیپ ۱۵ پیاده برسانم، زیرا این تیپ متحمل بیشترین صدمات شده بود و چون امکان تغییر در تصمیم فرمانده وجود نداشت، ناچار شدم او را در مقابل عمل انجام شده قرار دهم. بنابراین با توکل به خداوند با خودرو به سمت جاده منتهی به نهر جاسم و دو عیجی حرکت کردم. وقتی به محل تقاطع این مسیر رسیدم، متوجه شدم که درگیری با دشمن به شدت ادامه دارد و برای

به دلیل آتش مستقیم و پرحجم دشمن که به صورت کمانی بر سر ما می ریخت میسر نبود.^(۱۷) در اینجا چیزی جز ده ها تانک سوخته و هزاران جسد مشاهده نمی شد چنین وضعیتی را فقط در فیلم ها دیده بودم^(۱۸) با وجود همه دشواری ها، مقر تیپ را یافتم و خود را به آن رساندم. در آنجا سرهنگ دوم ستاد صباح را به همراه چند افسر و سرباز ملاقات کردم و متوجه شدم آنها تنها افرادی هستند که هنوز تحت کنترل او هستند و در شرایط بسیار دشواری به سر می برند. آنها به

مرحله ای رسیده بودند که ترسی از مرگ یا اسارت نداشتند، بلکه ترسشان از این بود که مبادا من آنها را افراد بی کفایتی بدانم. من با ستایش روحیه قهرمانانه آنان، از کارشان تمجید کردم و گفتم که فقط برای اطمینان از سلامتشان به آنجا رفته ام. با صحبت کوتاهی که با آنها کردم متوجه شدم که چند استحکام دفاعی مناسب از تیپ ۴۵ پیاده لشکر ۱۱ هنوز پا برجاست مانده که در فاصله نه چندان دوری در جناح چپ ما قرار دارند، لذا برای کسب اطلاع از آن مواضع،

حمدانی یکی از فرماندهان گارد ریاست جمهوری عراق: این نبرد بسیار شدید بود؛ بیش از ۵ هزار تانک و توپ در این منطقه کوچک به سمت یکدیگر آتش گشودند. بمباران این منطقه باورنکردنی بود و بر اثر آن همه چیز نابود شد. من شخصاً نام آن را قتلگاه جنگ ایران و عراق گذاشتم.

و برای اینکه ادعای خود را بیشتر حقیقی جلوه دهم از همه آنها پیمان گرفتم که با تمام قوا و تا جایی که در توان دارند مقاومت کنند. از فرمانده هم خواستم که نقشه خود را برای مقاومت تا صبح ارائه دهد. ۴ فرمانده تیپ در آن سنگر تاریک حضور داشتند، من همه آنها را تحت فرماندهی فرمانده تیپ ۴۵ - که از همه مسن تر بود - قرار داده، قول مساعدت به آنها دادم. سپس از همان راه پرخطری که به مقر تیپ رفته بودم بازگشتم، چاره‌ای نداشتم جز اینکه خود را به خودرویی که مرا به مقر رسانده بود و ۳ تن مجروح را نیز حمل می‌کرد برسانم. در راه بازگشت بودیم که گلوله خمپاره‌ای در نزدیکی ما فرود آمد، ما با خاکریزهای ورودی جاده در خط جاسم چندان فاصله‌ای نداشتیم و ۴ فروند هواپیمای اف ۵ دشمن نیز مواضع ما را بمباران می‌کردند، در نتیجه ناچار به تغییر مسیر شدیم.^(۲۰)

از ساعت ۹ صبح تا ۶:۳۰ عصر، ۵ کیلومتر رفتیم و برگشتیم و در این مدت متوجه شدم که وضعیت چقدر وخیم است. تعدادی از زخمی‌ها را سوار کردیم، به محض اینکه به یک محوطه باز رسیدیم هدف آتش ایرانی‌ها قرار گرفتیم و بیشتر زخمی‌ها کشته شدند. هدفم از یادآوری این خاطره آن است که بخشی از آنچه رخ داده بود را تشریح کنم و بگویم که این حوادث چقدر شبیه به نبردهای جنگ جهانی اول بود که در جریان جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد.^(۲۱)

پس از بازگشتم به مقر، فرمانده و افسران ستاد من باور نمی‌کردند که به آن منطقه رفته و برگشته‌ام و باز برایشان باور نکردنی بود که زمان رفت و برگشت من چندان طول نکشیده بود. (فرمانده من سرهنگ ستاد عبدالقادر یونس به همراه سرگرد ستاد سفیان عبدالله و نیز رئیس ستاد همگی در زمان اشغال کویت به اسارت درآمدند و به دست کویته‌ها اعدام شدند). هنگام غروب و پس از بازگشت به مقر نزد فرمانده

مسافت خطرناکی که بین ما تا آن مواضع بود را طی کردم. قرارگاه سپاه پنجم در اینجا قرار داشت. ده‌ها سرباز مجروح و خون‌آلود روی زمین افتاده بودند و خون روی در و دیوار دیده می‌شد. وارد قرارگاه شدم و دیدم که افراد روی هم افتاده‌اند. من این قضیه را با جزئیات در خاطراتم یادداشت کردم^(۱۹) ۳ دستگاه تانک دشمن با تیربارهای خود هر جنبنده‌ای را هدف آتش مستقیم قرار می‌دادند. این تانک‌ها به حدی نزدیک بودند که من توانستم تشخیص بدهم ۲ دستگاه از آنها از نوع تی ۵۵ و یکی هم از نوع تی ۶۲ بود. واقعاً توصیف وضعیت رزمندگان در آن حالت دشوار بود؛ افرادی که نیمی از آنها مجروح بودند و با جسمی خسته در سنگرهای تودرتو و تاریک مقر خزیده بودند. در این میان، یکی از افراد گفت که در یکی از اتاق‌های سنگر که نورش با فانوس نفتی تأمین می‌شد تعداد فراوانی از افسران مستقر هستند. وقتی وارد آن اتاق شدم، بین دو فرمانده یعنی سرهنگ محمد سعید فرمانده تیپ ۴۵ و سرهنگ ستاد یعمر زکی الخیر فرمانده تیپ ۴۶ پیاده مکانیزه (که از دوستان قدیمی من بود) درگیری لفظی بسیار تند و شدیدی در گرفته بود و هر یک مسئولیت این شکست را به گردن دیگری می‌انداخت. برای پایان دادن به این غائله، با صدای بلند فریاد زدم که من نماینده وزیر دفاع و جانشین فرمانده کل قوا هستم و آمده‌ام از وضعیت مطلع شوم. همه برای شنیدن حرف‌های من ساکت شدند و جملگی تحت تأثیر این سخن که البته ادعای درستی نبود، قرار گرفتند. تصمیم گرفتم برای نشان دادن حقیقت ادعایم به سخنانم ادامه دهم، لذا به آنها گفتم که من از طرف ایشان [وزیر دفاع] مأموریت دارم از مقاومت دلاورانه شما تقدیر کنم و از شما بخواهم که تا امشب به مقاومت خود ادامه داده، دشمن را تا آن‌سوی نهر جاسم وادار به عقب‌نشینی کنید. سپس از یکی از آنها که سن و سال بیشتری داشت خواستم فرماندهی را بر عهده بگیرد

آتشبارها حدود ۳ هزار دستگاه تخمین زده بودم. در تاریخ ۱۹۸۷/۱/۲۷ م (۷ بهمن ۱۳۶۵ ش) دشمن موفق شد جناح راست خط دفاعی ما را (به طول بیش از ۳ کیلومتر) بشکند و در پی موفقیت‌های خود، در محور لشکر ۱۱، که در سمت راست ما مستقر بود، نیز به موفقیت نایل گردد. پس از این ماجرا، فرمانده ما، مرا موظف کرد به مقر تیپ ۱۰ زرهی بروم و برای اداره و هدایت یک حمله متقابل به فرمانده تیپ مزبور کمک کنم. به همین منظور، من به فرمانده تیپ پیشنهاد کردم برای سبک کردن آتش دشمن از دو جناح مختلف دست به حمله بزنیم. در طول این درگیری، فرمانده من در کنار سرتیپ ستاد احمد راکان الشمری فرمانده لشکر دوم (که لشکرش به لشکر ما مأمور شده بود) حاضر بود. ما طی یک درگیری سریع موفق شدیم مواضع هنگ دوم تیپ ۸۱ و هنگ یکم تیپ ۱۰۵ را که شب قبل از دست داده بودیم از دشمن بازپس گرفته، ۱۹ تن از سربازانش را هم اسیر کنیم. سرگرد ستاد عبدالحلیم کاظم فرمانده هنگ مکانیزه تیپ ۱۰ و فرمانده گروهان تکاوران این تیپ نقش مهمی در این پیروزی داشتند و من نیز

گارد ریاست جمهوری رفتم و از او خواهش کردم به من کمک کند تا وعده‌ای را که به نیابت از وزیر دفاع به آن افراد داده بودم، عملی سازم، به همین منظور به او پیشنهاد دادم که افراد کارکشته‌ای را در قالب یک هنگ زرهی به منطقه بفرستد تا زمینه عقب‌نشینی دشمن را فراهم کنیم. این کار به شب آینده موکول شد، چون در آن شب وقت کافی برای اجرای آن نداشتیم و در نهایت این امر محقق شد و توانستیم همه آن افراد را از اسارت نجات دهیم.

نیروهای ما توانستند جلوی هجوم و پیشروی دشمن را گرفته و دایره منطقه عملیاتی را در محدوده‌ای به طول ۱۰ کیلومتر به سمت شلمچه و ۷ کیلومتر به سمت دریاچه ماهی با اعماق متفاوت محدود کنند. با وجود محدودیت منطقه عملیاتی، عملیات گسترده‌ای بود و ما وقتی بیشتر شگفت‌زده شدیم که نمی‌دانستیم دشمن با ایجاد رخنه در منطقه‌ای کوچک چه قصد و هدفی را دنبال می‌کند و تنها به چند خمپاره‌انداز و آتشبار سبک بسنده نکرده است. من تعداد دهانه‌های آتش در آن منطقه را برای هر دو طرف اعم از خمپاره‌انداز و تانک و دیگر



اسرای عراقی در عملیات کربلای ۵

پیشین بازگردد، زیرا اوضاع در آن منطقه متشنج بود. درگیری‌های تیپ ۲ زرهی گارد ریاست جمهوری و به‌ویژه هنگ ۱۶ مکانیزه به فرماندهی سرهنگ دوم ستاد عبدالرحیم المندلاوی، شکلی سرنوشت‌ساز به خود گرفته بود و در شرایطی به وقوع می‌پیوست که لشکر بغداد گارد ریاست جمهوری در محور دریاچه ماهی همچنان درگیر بود.

در فاصله روزهای ۲ تا ۱۹۸۷/۲/۴ م (۱۳ تا ۱۵ بهمن ۱۳۶۵ ش) فشار دشمن بر نیروهای ما از دو طرف افزایش یافت: یکی از سمت جنوب خط جاسم و دوم از دهانه دریاچه ماهی. دشمن با این فشارها توانست نیروهای ما را تا ۵۰۰ متر وادار به عقب‌نشینی کند. این درگیری‌ها در نوع خود بسیار خونبار بود و هر دو طرف متحمل خسارت‌های سنگینی شدند. این تهدیدات خونبار به سمت کانال التغذیه - که شط‌العرب (اروندرو) را به دریاچه ماهی متصل می‌کرد - همچنان ادامه داشت و نیروهای گارد ریاست جمهوری ناچار شدند در خاکریز تدافعی موسوم به "خاکریز ۱۰۰۰" موضع بگیرند. همه خاکریزهای ما از جمله همین خاکریز ۱۰۰۰، یکی پس از دیگری سقوط می‌کرد و دشمن با آتشی که از دهانه دریاچه ماهی بر سر ما می‌ریخت آنها را تصرف می‌کرد تا اینکه در شبانگاه ۱۹۸۷/۴/۷ م (۱۸ فروردین ۱۳۶۶ ش) نیروهای ما با یک حمله سریع و اجرای آتش پرحجم توانستند خاکریز ۱۰۰۰ را از دشمن بازپس بگیرند. هم‌زمان، فرماندهی کل قوای عراق با صدور بیانیه‌ای ضمن تقدیر از شجاعت و پایداری نیروها که روحیه آنها را دو چندان کرد، از آنها خواست عملیات را متوقف کنند تا خون‌های سربازان بیش از این ریخته نشود در تاریخ ۱۹۸۷/۴/۱۳ م (۲۴ فروردین ۱۳۶۶ ش) لشکر ما به منطقه قلعه صالح بازگشت.^(۲۲)

آنچه در میدان نبرد عملیات کربلای ۵ اتفاق افتاد به گفته مقامات عراقی فروپاشی بی‌سابقه ارتش این

باعث شد که فرمانده لشکر دوم از لحاظ روحی به آرامش و قوت قلب برسد.

در روزهای ۲۹ و ۱۹۸۷/۱/۳۰ م (۹ و ۱۰ بهمن ۱۳۶۵ ش) کار ادغام لشکر ما و لشکر دوم تکمیل شد و در همین حین موضع یک هنگ از تیپ ۳۶ به فرماندهی سرهنگ ستاد حسین الحلبوسی (که از افسران نیروهای مخصوص بود) سقوط کرد و تلاش فرمانده تیپ برای بازپس‌گیری موضع از دست‌رفته، با اینکه از آتش پشتیبانی بسیار خوبی نیز بهره‌مند بود،

بر اثر مقاومت دشمن بی‌نتیجه ماند. در این میان حتی تلاش یگان‌های رسته مهندسی به فرماندهی سرهنگ دوم قاسم مجید - که به معنای واقعی کلمه سرباز مقاوم و شجاعی بود - نیز در زیر آتش دشمن فایده‌ای نداشت.

خارج‌شدن لشکر ما (لشکر مدینه منوره گارد ریاست جمهوری منهای تیپ ۲ زرهی) در منطقه الزریجی در حالی صورت گرفت که درگیری‌ها همچنان در محور دریاچه ماهی و به‌ویژه در منطقه المعبر ادامه داشت. در

محور عملیاتی جاسم در محل تلاقی مواضع لشکر ۱۱ در کرانه شط‌العرب (اروندرو) نیز درگیری‌ها ادامه داشت و خسارت‌های سنگینی به نیروهای خودی و دشمن وارد آمده بود. این درگیری‌ها به‌رغم اینکه در منطقه‌ای محدود صورت گرفت "حصادالاکبر" نام گرفت و به این نام معروف شد.

لشکر ما در تاریخ ۱۹۸۷/۲/۲۴ م (۵ اسفند ۱۳۶۵ ش) به طرف منطقه قلعه صالح در محور العماره حرکت کرد، ولی روز بعد مأموریت یافت به منطقه

حمدانی: مشکلات یکی پس از دیگری شروع شد. فریاد نظامیان و درخواست کمک از طریق بی‌سیم‌ها و تلفن‌ها فرماندهان را به ستوه آورده بود. آن شب یکی از بدترین شب‌های لشکر شجاع ما بود.

شب عملیات، فرصت رساندن خود به قرارگاه مربوطه را نیافتند. حتی برخی فرماندهان گردان‌های ارتش بعثی فرصت پوشیدن لباس نظامی خود را نیز نیافتند و با لباس شخصی به اسارت درآمدند. آنها می‌گفتند: ما در خانه بودیم که به ما خبر دادند بصره در تهدید است و ابلاغ کردند که خود را سریعاً به منطقه عملیاتی برسانیم. لذا فرصت آماده‌شدن پیدا نکردیم.

در دو روز اول به دلیل عدم آمادگی نیروهای دشمن، عملیات به‌خوبی پیش می‌رفت. رزمندگان

کشور؛ تلفات کم‌سابقه و عقب‌نشینی در مواضعشان در شرق بصره بود. انهدام ارتش عراق در این عملیات حتی وسیع‌تر از والفجر ۸ بود. تلفات سنگین عراق موجب عقب‌نشینی آنان از منطقه ارزشمند شلمچه شد و فرماندهان سپاه را به این نتیجه رساند که عراق نیروهای انسانی را بر حفظ زمین ترجیح می‌دهد.^(۳۳)

شرح مختصر عملیات کربلای ۵ به روایت یکی از فرماندهان ارشد ایران* (با تأکید بر سازمان رزم)

پس از توضیحات فرمانده سپاه دوم گارد ریاست جمهوری عراق، در این قسمت سردار حسین علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه ایران با توجه به سازمان رزم عملیات کربلای ۵، این عملیات را به این شکل توصیف می‌کند:

«اگرچه ارتش عراق قبل از شروع عملیات کربلای ۵ در بعضی مناطق مثل پنج‌ضلعی، آماده‌باش ۵۰ درصد اعلام کرده بود، ولی به دلیل اجرای عملیات کربلای ۴ و نیز استحکامات فوق‌العاده قوی در محور شلمچه، امکان عملیات در این منطقه را بعید و غیرممکن می‌دانست و لذا این عملیات در شرایط غافلگیری نسبی ارتش عراق اجرا شد. عراق در زمینه توانایی ایران برای عملیات در این منطقه و نیز زمان اجرای چنین عملیاتی تا حدودی غافلگیر شد. این عملیات درست دو هفته پس از ناکامی عملیات کربلای ۴ اجرا شد، درحالی‌که زمانی حدود یک ماه برای آمادگی رزمندگان اسلام ضروری بود. البته اگر چنین فرصتی به یگان‌های ارتش بعثی داده می‌شد، می‌توانستند بلافاصله نقاط ضعف خود را بپوشانند و ایران را از دستیابی به منطقه شلمچه بازدارند.

در حین عملیات کربلای ۵ و پس از به اسارت درآمدن تعدادی از نیروهای دشمن، مشخص شد که برخی فرماندهان ارتش بعثی چند روز پیش از آغاز این عملیات به مرخصی رفته بودند و برخی دیگر در

* سردار حسین علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه.

سردار حسین علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه: اگرچه ارتش عراق قبل از شروع عملیات کربلای ۵ در بعضی مناطق مثل پنج‌ضلعی، آماده‌باش ۵۰ درصد اعلام کرده بود، ولی به دلیل اجرای عملیات کربلای ۴ و نیز استحکامات فوق‌العاده قوی در محور شلمچه، امکان عملیات در این منطقه را بعید و غیرممکن می‌دانست.

موفق شدند ۵۰ تانک دشمن را به غنیمت بگیرند و حدود ۶۵۰ نظامی عراقی را اسیر کنند. پایگاه موشکی هاگ نیز در این عملیات فعال شد و توانست تعدادی از هواپیماهای دشمن را هدف قرار دهد. از روز سوم به بعد اما آرام آرام، ارتش عراق جنگ سختی را علیه رزمندگان اسلام آغاز کرد. در سه روز اول، ۱۵۰۰ رزمنده شهید و بیش از ۶ هزار نفر نیز مجروح شدند. حملات ارتش عراق به مواضع نیروهای خودی به شدت ادامه یافت. طوری

که در روز هفتم ارتش بعثی با تمام قدرت و توان خود سعی کرد تمام منطقه تصرف شده را بازپس بگیرد. تا این زمان رزمندگان اسلام توانسته بودند با عبور از محور شلمچه خود را به ۱۵ کیلومتری شهر بصره برسانند و با گذشتن از کانال ماهی‌گیری، در جنوب آن، یک خط پدافندی تشکیل دهند. در این شرایط شهر بصره و تأسیسات نظامی آن زیر برد آتش توپخانه کوتاه برد ایران قرار گرفت. از روز هفتم نبرد، دشمن پاتک‌های سنگین و جنگ بسیار



رزمندگان اسلام در خطوط مقدم عملیات کربلای ۵

حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار گلوله انواع خمپاره را به‌سوی مواضع ارتش عراق پرتاب کرد.

در جریان عملیات کربلای ۵، هوانیروز ۳ تیم پروازی شامل ۹ فروند بالگرد را به کار گرفت. از این سه تیم یک تیم درحال عملیات، یک تیم درحال سوخت‌گیری و تیم دیگر درحال رفتن به منطقه عملیات بود. در مجموع از ۴ پایگاه هوانیروز، تعداد ۱۳۰ فروند وسیله پروازی از بالگردهای ترابری و کبری در منطقه جنوب استقرار یافتند. به‌دلیل کمبود قطعات یدکی از این تعداد، فقط ۹ فروند بالگرد کبری و ۲۱۴ در روشنایی روز در جبهه فعال بودند. در مجموع، در عملیات کربلای ۵، این بالگردها بیش از ۴ هزار ساعت پرواز عملیاتی و ترابری در منطقه جنوب انجام دادند. در جریان عملیات یک فروند بالگرد کبری ساقط گردید و ۲ خلبان آن به شهادت رسیدند.

در عملیات کربلای ۵ ارتش عراق در پاتک‌هایش هرچه را که در توان داشت، به کار گرفت. واحدهای احتیاط دشمن که به منطقه عملیات بسیار نزدیک بودند، توانستند بدون نیاز به جابه‌جایی گسترده، از

شدیدی را آغاز کرد. این پاتک‌ها تا ۲۰ شبانه‌روز ادامه یافت. تقریباً هیچ نقطه‌ای از شلمچه و منطقه نبرد نبود که زیر آتش شدید و بسیار سنگین توپخانه و دیگر ادوات دشمن نباشد.

ارتش عراق توپخانه خود را دور از آتش توپخانه ایران در پشت نهر کتیبان سازمان داده بود و توپخانه ایران با ضدآتشبار نمی‌توانست توپخانه دشمن را از کار ببنداند. با این تاکتیک ارتش عراق پنج‌ضلعی را زیر آتش مداوم توپخانه قرار داده بود. همچنین با هواپیما محل استقرار واحدهای توپخانه ایران را مورد تهاجم قرار می‌داد. ارتش عراق می‌توانست از ابوالخصیب تا شعاع ۲۷۰ درجه، مواضع ایران را زیر آتش توپخانه بگیرد، درحالی‌که منطقه مانور توپخانه ایران تنها ۹۰ درجه بود.

البته سپاه هم پر حجم‌ترین آتش توپخانه خود در دوران جنگ را با به‌کارگیری حدود ۷۰۰ عراده انواع توپ در این عملیات به کار گرفت. لذا نبرد توپخانه‌ها در این عملیات نسبت به دیگر نبردهای دوران دفاع مقدس گسترده‌تر بود. در این عملیات ایران حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار گلوله توپ و

پاتک‌های کربلای ۵ به حدی بود که هیچ شیئی بر روی زمین سالم نمی‌ماند. دود و گاز انفجار گلوله‌ها در صحنه نبرد، آنقدر زیاد بود که تنفس را برای رزمندگان مشکل می‌ساخت. صدام در این عملیات، فرمانده سپاه سوم خود را به دلیل شکست برکنار کرد. پس از ۲۰ روز پاتک مداوم، وقتی دشمن نتوانست منطقه را از تصرف رزمندگان اسلام خارج کند و این منطقه پس از یک مقاومت سرسختانه در اختیار ایران باقی ماند، دشمن دست از پاتک برداشت. در این

حداکثر توان خود برای اجرای آتش‌های سنگین و نیز پاتک‌های متوالی و شدید استفاده کنند. یکی از مهم‌ترین پاتک‌های عراق در ۱۳۶۵/۱۱/۱۰ صورت گرفت. عراق در این پاتک موفق شد نیروهای ایرانی را از جنوب کانال ماهی به عقب براند و در نتیجه ۲۰ روز جهاد و نبرد رزمندگان ما را خنثی کند. در ۱۳۶۵/۱۱/۱۲ نیز ارتش عراق موفق شد جزیره صالحیه را پس بگیرد.

با این همه، رزمندگان سپاه اسلام توانستند مرحله به مرحله تا خط نهر جاسم که آخرین رده دفاعی ارتش بعثی در منطقه عملیات بود پیشروی کنند. اما در نهایت به دلیل کمبود یگان‌های پیاده و واحدهای زرهی، این امکان برای رزمندگان اسلام میسر نشد که گام‌های بلندتری را برای پیروزی بردارند. سپاه پاسداران در این هنگام در نامه‌ای اضطراری به امام خمینی درخواست ۱۰۰ دستگاه تانک، ۱۰۰ دستگاه نفربر و ضد هوایی ۵۷ شنی‌دار و ۱۰ گردان توپخانه کرد. امام خمینی طی حکمی در ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ به آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی مرقوم فرمودند: با وضعیت بسیار خطیری که با آن مواجه هستیم، شرعاً و عقلاً لازم است برای رساندن مایحتاج رزمندگان جان به کف کربلای ۵ سریعاً اقدام شود. مسامحه در این امر یک فاجعه - خدای نخواست - ممکن است به بار آورد.

البته لازم به ذکر است این امکانات به سپاه واگذار نشد و قرار شد اقلام درخواستی تنها ۵ هفته در کنترل عملیاتی سپاه قرار گیرد. ارتش صدام در جریان پاتک‌هایش، از ۱۸۰ تیپ موجود خود، ۱۱۰ تیپ - یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش بعثی - را وارد منطقه عملیات کرد. به طوری که در خلال این عملیات، نظامیان از ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی عراق اسیر شدند. بنابراین می‌توان گفت که کربلای ۵ شدیدترین و گسترده‌ترین نبرد در تمام ۹۰ عملیات سپاه در طول دوران دفاع مقدس بود. شدت آتش دشمن در حین

حمدانی: نیروهای ما توانستند جلوی هجوم و پیشروی دشمن را گرفته و دایره منطقه عملیاتی را در محدوده‌ای به طول ۱۰ کیلومتر به سمت شلمچه و ۷ کیلومتر به سمت دریاچه ماهی با اعماق متفاوت محدود کنند

هنگام فضای منطقه به گونه‌ای آرام شد که رزمندگان اسلام توانستند پس از دو هفته آرامش منطقه، عملیات دیگری را با عنوان کربلای ۸ طراحی و اجرا کنند. رزمندگان اسلام در این عملیات توانستند با استفاده از یگان‌های زرهی خود ۲ کیلومتر دیگر در همین منطقه پیشروی و خطوط عملیاتی کربلای ۵ را تکمیل کنند. این نخستین بار بود که سپاه پاسداران از نیروی زرهی خود برای یک تک علیه دشمن استفاده کرد.^(۲۴)

بررسی تطبیقی توان نظامی ایران و عراق پس از عملیات کربلای ۵

الف) توان نظامی ایران

در عملیات کربلای ۵ سپاه پاسداران در مجموع، ۲۴ یگان شامل ۳۰۰۰۰ پاسدار، ۶۵۰۰۰ سرباز و ۱۲۰۰۰۰ بسیجی (در مجموع ۲۱۵۰۰۰ تن) در عملیات کربلای ۵ وارد عمل کرد. این در حالی بود که سپاه در این عملیات ۲۲۰ گردان نیرو را به کار گرفت و با توجه به کل استعداد به‌کاررفته در این

عبدالله میثمی روحانی مجاهد و عارف (از دفتر نمایندگی امام^(ره) در سپاه) که در سخت‌ترین شرایط، رزمندگان و فرماندهان را یاری می‌کرد نیز از دیگر شهدای این عملیات بود.

علاوه‌براین در پشت جبهه جنگ شهرها به‌عنوان ابزار فشاری قوی و کارساز در طول جنگ تحمیلی بارها مورد استفاده عراق قرار گرفت. در مقطع سوم - یعنی بعد از عملیات بدر که در مقطع دوم و در سال ۱۳۶۳ و ابتدای سال ۱۳۶۴ اجرا شد - دامنه و شدت جنگ شهرها و سلاح‌های جدیدی که به کار گرفته شد، در مقایسه با تمام دوران جنگ تحمیلی بی‌سابقه بود. برای نمونه، در ۱۵ روز نخست عملیات کربلای ۵، از ۱۹ دی تا ۳ بهمن ۱۳۶۵، نیروی هوایی ارتش عراق به ۴۱ شهر ایران، ۲۹۹ بار حمله هوایی کرد. بر اثر این حملات ضدانسانی، ۱۹۱۸ تن از مردم شهید و ۷۶۵۸ تن مجروح شدند. بیشترین حمله (۳۷ بار) به شهر قم و کمترین حمله (یک بار) به اندیمشک و ۱۱ شهر دیگر انجام گرفت. در بین شهرهایی که هدف حمله قرار گرفتند، سنندج - با آن که ۲ بار مورد حمله هوایی واقع شد - بیشترین شهید (۲۳۰ تن) را متحمل شد و پس از آن، شهرهای بروجرد (۲۰۰ تن) و خرم‌آباد (۱۹۱ تن) قرار دارند.^(۳۵)

همچنین براساس آمارهای مربوط به تعداد مجروحان، شهرهای همدان با ۷۵۰ تن، بروجرد با ۷۰۵ تن، باختران با ۶۴۰ تن، گیلان‌غرب با ۶۲۶ تن، خرم‌آباد با ۵۳۰ تن و نهاوند با ۵۰۳ تن بیشترین مجروح را داشتند.

به‌طور تقریبی، بیشتر حملات عراق در این زمان بر روی شهرهای استان خوزستان و استان مرکزی متمرکز بود. نکته قابل توجه آن است که تهران به‌عنوان پایتخت کشور، در این زمان، ۲ بار مورد حمله هوایی قرار گرفت که طی آن، ۳ تن شهید و ۳۰ تن مجروح شدند.

عملیات، گردان‌های سپاه استعدادی بین ۸۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر داشتند.

در این عملیات آمار شهدا، مجروحان و مفقودان در مقایسه با عملیات‌های پیشین قابل قیاس نبود از کل ضایعات انسانی یگان‌های سپاه در این عملیات که مشتمل بر ۶۴۴۷۹ تن می‌شد، ۷۶۵۱ تن شهید، ۵۳۲۹۹ تن مجروح و ۳۵۲۹ تن مفقود شدند.

همچنین در عملیات کربلای ۵ شهادت و

جراحت فرماندهان در صحنه نبرد بسیار قابل ملاحظه بود.

در این عملیات، ۳۰ فرمانده گردان و ۳۳ معاون گردان شهید و ۸۳ فرمانده گردان و ۱۶۲ معاون گردان مجروح شدند. در سطح گروهان، ۵۷ فرمانده و ۸۱ معاون به شهادت رسیدند و ۲۴۹ فرمانده و ۳۸۷ معاون دیگر نیز مجروح شدند. در سطح فرمانده دسته، ۱۲۰ فرمانده شهید و ۶۲۷ تن دیگر مجروح شده و همچنین از معاونان دسته ۸۲ تن شهید و ۴۲۶ تن مجروح شدند. در مجموع، در

این سطح (فرمانده گردان تا فرمانده دسته) ۴۰۳ تن شهید و ۱۹۴۳ تن مجروح شدند.

علاوه‌براین، در بین مسئولان واحدهای پشتیبانی‌کننده یگان‌های سپاه (واحد و قسمت) ۹۲ تن مسئول و معاون شهید و ۲۶۳ تن هم مجروح شدند. همچنین در این عملیات فرماندهان بزرگی همچون، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و شهید اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر بدر به شهادت رسیدند. حجت‌الاسلام

در عملیات کربلای ۵ سپاه پاسداران در مجموع، ۲۴ یگان شامل ۳۰۰۰۰ پاسدار، ۶۵۰۰۰ سرباز و ۱۲۰۰۰۰ بسیجی (در مجموع ۲۱۵۰۰۰ تن) وارد عمل کرد.

تیپ بیش از ۶۰ درصد منهدم شدند، و باقیمانده یگان‌ها نیز از ۱۰ تا ۶۰ درصد آسیب دیدند. حجم انهدام یگان‌های عراق نشان‌دهنده تلفات بالای نیروی انسانی دشمن در عملیات کربلای ۵ است. تلفات ارتش عراق در این عملیات تنها با عملیات رمضان و عملیات والفجر ۸ قابل مقایسه است. از جنبه فروپاشی ارتش عراق نیز، عملیات کربلای ۵ را می‌توان با عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس مقایسه کرد. تلفات ارتش عراق در عملیات کربلای ۵ به اندازه‌ای بود که جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان گفت: «خبری به دست ما رسید که فرمانده سپاه یکم عراق گفته است: "ما در عملیات کربلای ۵ بیش از ۵۰ هزار تن تلفات داشته‌ایم."»^(۲۶)

در این بخش جداول زمان ورود و میزان انهدام یگان‌های ارتش عراق در عملیات کربلای ۵ که بر مبنای اسناد معاونت اطلاعات نظامی قرارگاه کربلا تهیه شده است ارائه می‌گردد:

یکی دیگر از ویژگی‌های عملیات کربلای ۵ که در مقایسه با عملیات‌های پیشین ایران قابل قیاس نیست میزان مهمات مصرفی در آن است. در ۱۵ روز نخست عملیات (۱۸ دی تا ۲ بهمن ۱۳۶۵)، ۳۸۵۸۷۵ عدد انواع گلوله توپ روی مواضع دشمن شلیک شد. که ۶۵۹۵۶ عدد از آنها مربوط به توپخانه نیروی زمینی ارتش و ۳۱۹۹۱۹ عدد مربوط به توپخانه نیروی زمینی سپاه بود. همچنین، از این تعداد گلوله ۱۸۹۳۱۴ عدد در پنج روز نخست عملیات، ۱۱۲۹۴۸ عدد و در پنج روز دوم عملیات، و ۸۳۶۱۶ عدد نیز در پنج روز سوم عملیات مصرف شد. این آمار نشان می‌دهد مصرف مهمات در پنج روز دوم و سوم عملیات کاهش یافته است.

ب) توان نظامی عراق

در عملیات کربلای ۵ ارتش عراق از مجموع ۱۸۰ تیپ خود، ۱۱۰ تیپ را وارد عمل کرد. در این عملیات، ۱۶ تیپ به طور صددرصد و ۲۲

ردیف	نام یگان	زمان ورود به منطقه	میزان انهدام	ردیف	نام یگان	زمان ورود به منطقه	میزان انهدام
۱	تیپ ۴۲۲ پیاده	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۹	تیپ ۶۶ نیروی مخصوص	۶۵/۱۰/۱۹	٪۱۰
۲	تیپ ۴۲۱	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۱۰	تیپ ۳ گارد جمهوری	۶۵/۱۰/۱۹	٪۵۰
۳	تیپ ۴۲۹ پیاده	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۱۱	تیپ ۲۰ مکانیزه	۶۵/۱۰/۱۹	٪۷۰
۴	تیپ ۴۵ پیاده	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۱۲	تیپ ۸ مکانیزه	۶۵/۱۰/۱۹	٪۷۰
۵	تیپ ۲۳ پیاده	در منطقه بوده	٪۸۵	۱۳	تیپ ۱۲ زرهی	۶۵/۱۰/۱۹	٪۷۰
۶	تیپ ۴۷	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۱۴	تیپ ۲۶ زرهی	۶۵/۱۰/۱۹	
۷	تیپ ۸۲ پیاده	در منطقه بوده		۱۵	تیپ ۶ زرهی	۶۵/۱۰/۱۹	٪۲۰
۸	گردان کماندویی ل ۱۱	در منطقه بوده	٪۹۵	۱۶	تیپ ۳۰ زرهی	۶۵/۱۰/۱۹	٪۴۰

۱۷	گردان ۲۱ تانک ل ۱۱	در منطقه بوده	٪۱۰۰	۳۸	تیپ ۶۶ پیاده	۶۵/۱۰/۲۲	٪۸۵
۱۸	گردان کماندویی ل ۲۹	۶۵/۱۰/۱۹	٪۸۰	۳۹	تیپ ۱۰۲ پیاده	۶۵/۱۰/۲۲	٪۹۰
۱۹	تیپ ۲ کماندویی حطین	۶۵/۱۰/۱۹	٪۱۰۰	۴۰	تیپ ۹۴ پیاده	۶۵/۱۰/۲۳	٪۹۰
۲۰	تیپ کماندویی قادسیه	۶۵/۱۰/۱۹	٪۹۰	۴۱	تیپ ۳۷ زرهی	۶۵/۱۰/۲۳	٪۹۰
۲۱	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص	۶۵/۱۰/۱۹	٪۸۰	۴۲	تیپ ۱۰۱ پیاده	۶۵/۱۰/۲۴	٪۱۰۰
۲۲	تیپ ۱۱ کماندویی گارد	۶۵/۱۰/۱۹	٪۷۰	۴۳	تیپ ۴۲ زرهی		
۲۳	تیپ ۳۴ زرهی	۶۵/۱۰/۲۰	٪۵۰	۴۴	تیپ ۹۰ پیاده		٪۵۰
۲۴	تیپ ۵ گارد	۶۵/۱۰/۲۰	٪۷۰	۴۵	تیپ ۹۷ پیاده		
۲۵	تیپ ۵۰۱ پیاده	۶۵/۱۰/۲۰	٪۱۰۰	۴۶	تیپ ۲ زرهی گارد		
۲۶	تیپ ۴۱۸ پیاده	۶۵/۱۰/۲۰		۴۷	تیپ ۶ گارد جمهوری	۶۵/۱۱/۱۸	
۲۷	تیپ ۱۸ پیاده	۶۵/۱۰/۲۰	٪۷۵	۴۸	تیپ ۲۸ پیاده		
۲۸	تیپ ۴۶ مکانیزه	۶۵/۱۰/۲۰	٪۵۰	۴۹	تیپ ۲۹ پیاده		
۲۹	تیپ ۶۸ نیروی مخصوص	۶۵/۱۰/۲۱	٪۱۰۰	۵۰	تیپ ۹۳ پیاده	۶۵/۱۰/۲۹	٪۳۰
۳۰	تیپ کماندویی سپاه	۶۵/۱۰/۲۱	٪۱۰۰	۵۱	تیپ ۱۷ زرهی		
۳۱	تیپ ۱۹ پیاده	۶۵/۱۰/۲۱	٪۸۰	۵۲	تیپ ۷۹ پیاده	۶۵/۱۰/۲۵	٪۷۵
۳۲	تیپ ۷۶ پیاده	۶۵/۱۰/۲۱	٪۸۵	۵۳	تیپ ۱۰ زرهی گارد		٪۵۰
۳۳	تیپ ۴۳۹ پیاده	۶۵/۱۰/۲۱	٪۹۰	۵۴	تیپ ۱۶ ویژه گارد		
۳۴	تیپ ۵۰۶ پیاده	۶۵/۱۰/۲۱	٪۹۰	۵۵	تیپ ۷۰۲ پیاده	۶۵/۱۰/۲۳	٪۹۰
۳۵	تیپ ۹۵ پیاده	۶۵/۱۰/۲۱	٪۹۰	۵۶	تیپ ۷۰۴ پیاده	۶۵/۱۰/۲۴	٪۵۰
۳۶	تیپ ۱۰ مکانیزه	۶۵/۱۰/۲۲	٪۸۵	۵۷	تیپ ۴۲۸ پیاده		
۳۷	تیپ ۱۶ زرهی	۶۵/۱۰/۲۲	٪۸۰	۵۸	تیپ ۵۰ زرهی	۶۵/۱۰/۲۸	

۵۹	تیپ ۴۴ پیاده	۶۵/۱۰/۲۷	٪۸۵	۷۰	گردان کماندویی سپاه ۶	۶۵/۱۰/۲۵	٪۳۵
۶۰	تیپ ۴۱۷ پیاده	۶۵/۱۰/۲۷	٪۶۰	۷۱	گردان کماندویی ل ۳۵	۶۵/۱۰/۲۵	٪۶۰
۶۱	تیپ ۱۸ پیاده	۶۵/۱۰/۲۸	٪۷۰	۷۲	تیپ ... پیاده	۶۵/۱۰/۲۵	٪۷۰
۶۲	تیپ ۸۰۵ پیاده			۷۳	تیپ ۱۲۰ پیاده	۶۵/۱۰/۲۵	٪۸۰
۶۳	تیپ ۶ گارد	۶۵/۱۱/۸	٪۶۰	۷۴	تیپ ۸۸ پیاده		
۶۴	تیپ ۱۰۹ پیاده	۶۵/۱۰/۲۰		۷۵	تیپ ۴۳۰ پیاده	۶۵/۱۱/۲	
۶۵	تیپ ۸۰۲ پیاده	۶۵/۱۰/۲۰		۷۶	تیپ ۱۱۹ پیاده		٪۶۰
۶۶	تیپ ۸۰۳ پیاده	۶۵/۱۰/۲۴	٪۶۰	۷۷	تیپ ۴۴۳ پیاده	۶۵/۱۱/۱۲	٪۹۰
۶۷	تیپ ۹۴ پیاده	۶۵/۱۰/۲۳	٪۹۰	۷۸	تیپ ۲۲۸ پیاده	۶۵/۱۱/۲۴	
۶۸	تیپ ۸۳ پیاده	۶۵/۱۰/۲۸		۷۹	تیپ ۵۰۳ پیاده ^(۲۷)		٪۴۰
۶۹	تیپ ۶۰ مختلط	۶۵/۱۰/۲۴					

ارزیابی عملیات کربلای ۵

در طرح ریزی و اجرا در منطقه عملیاتی مستقل تحقق یافت. طرح ریزی و اجرای این عملیات، نشان دهنده انعطاف پذیری سازمان سپاه و اوج خلاقیت و جسارت تصمیم گیری این نهاد در شرایط بحرانی و میزان بالای خطرپذیری آن بود عملیات در میان ناباوری و غافلگیری نسبی ارتش بعثی آغاز شد. عملیات کربلای ۵ نشان داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، توانایی ارائه ابتکار عمل های مناسب در شرایط سخت و دشوار را دارد و از مزیت خلاقیت فرماندهان خود برای شکستن خطوط مستحکم دشمن سود می برد. عملیات کربلای ۵ نشان داد که ایران می تواند در سخت ترین شرایط و در مشکل ترین جبهه ها، از پیچیده ترین موانع عبور کند و به سوی اهداف مورد نظر خود پیشروی کند. از همین رو عملیات کربلای ۵ سخت ترین، پراضطراب ترین و

عملیات کربلای ۵ از جمله نبردهایی بود که در خاک عراق و در یکی از حساس ترین جبهه های جنوب انجام شد. در این عملیات، بصره در معرض خطر قرار گرفت. این عملیات حدود ۴ سال و نیم پس از فتح خرمشهر اجرا شد و یازدهمین عملیات پس از عملیات مهم بیت المقدس بود. عملیات کربلای ۵ از نظر شدت درگیری و عزم طرفین جنگ برای کسب موفقیت، از دشوارترین نبردهای جنگ به حساب می آید.

قرار بود به موازات این عملیات، ارتش نیز در جبهه های غرب کشور عملیات مستقلی انجام دهد که به دلایلی این کار صورت نگرفت. یگان های تک کننده در عملیات کربلای ۵ فقط از سپاه پاسداران بودند. در این عملیات، استقلال کامل سازمان سپاه از سازمان ارتش

از تصرف فاو، نشان داد که قدرت و توانایی رزمندگان اسلام همچنان می‌تواند جبهه ارتش عراق را در هر شرایطی هدف قرار دهد و با شکستن خطوط دفاعی مستحکم، بر قدرت تسلیحاتی، حجم انبوه آتش و توانایی اطلاعاتی او فائق آید.

کربلای ۵ زنگ‌های سقوط جبهه بصره را به صدا درآورده بود. برخی تحلیل‌گران غربی معتقد بودند که یک حمله بزرگ دیگر می‌تواند شیرازه ارتش عراق را از هم بپاشد و جنگ را پیروزمندانه به نفع ایران پایان دهد. تحلیل‌گران پنتاگون هم که معمولاً عزم و شیوه‌های ابتکاری ایرانی‌ها را در مقابل موانع عظیم ارتش عراق، کمتر از آنچه در واقع اتفاق می‌افتاد، ارزیابی می‌کردند، با این عملیات، احتمال پیروزی بزرگ‌تر ایران را رد نکردند. امریکا پیروزی ایران در جنگ تحمیلی را فاجعه‌ای بزرگ می‌دانست، این نگرانی موجب شد کمک‌های بیشتری را در اختیار رژیم صدام حسین قرار دهد و مانع پیشروی بیشتر رزمندگان اسلام گردد و معلوم شد که عمده توانایی‌های ارتش عراق در کسب پشتیبانی‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نهفته است.

پس از این عملیات، سپاه پاسداران به این نتیجه رسید که برای اجرای عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز نیاز به تجهیزات و جنگ‌افزارهای جدید دارد که بخش عمده‌ای از این تجهیزات در ارتش ایران موجود است. بنابراین پس از عملیات کربلای ۵، آقایان رفیق‌دوست و غلامعلی رشید خدمت حضرت امام خمینی رسیدند و درخواست تجهیزات مورد نیاز را از ارتش کردند که امام هم موافقت فرمودند، ولی در عمل این امکانات به سپاه واگذار نشد.^(۲۸)

پرتلفات‌ترین عملیات جنگ محسوب می‌شود به‌طوری‌که عملیات بیت‌المقدس در مقایسه با کربلای ۵، یک عملیات ساده به نظر می‌رسید. اگرچه ارتش عراق در مکان و زمان این عملیات نسبتاً غافلگیر شد، ولی به‌محض آگاهی از تهاجم وسیع ایران به منطقه شلمچه به‌سرعت پای کار آمد و یگان‌های خود را وارد عمل کرد. بااینکه سمت و سوی تک رزمندگان ایرانی مخالف جهت آرایش دفاعی ارتش عراق بود، نبرد سخت و شدیدی درگرفت. هر گام پیشروی ایران در این زمین، یک قدم به سوی بصره به شمار می‌رفت و برای رژیم بعثی صدام اهمیت فراوانی داشت. لذا ارتش عراق با تمام توان به مقابله پرداخت و به‌صورت سنگر به سنگر در لایه‌های دفاعی ایجادشده و در درون دژها و خاکریزهای چندرديفه جنگید. علاوه‌براین دست به پاتک‌های سریع و یورش‌های سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته بسیاری زد تا بتواند در برابر نیروهای ایران ایستادگی کند. هرچند که در این راه تلفات سنگینی داد و بخش زیادی از تجهیزات و جنگ‌افزارهایش منهدم شد. سرعت عمل عراق در اجرای پاتک‌ها و وجود موانع متعدد و باتلاق و نخلستان موجب شد تا رزمندگان نتوانند بیش از ۴ کیلومتر پیشروی کنند، با این حال عملیات کربلای ۵ تبدیل به یک عملیات سرنوشت‌ساز شد. از نظر نظامی نیز این عملیات بار دیگر موازنه قوای مقطعی را به نفع ایران تغییر داد و تفوق ایران در جبهه زمینی را آشکار ساخت. نتیجه‌بخش بودن ارسال تسلیحات پیشرفته برای رژیم صدام (برتری تجهیزاتی عراق) و نیز دادن اطلاعات نظامی ایران به ارتش بعثی بود. عملیات کربلای ۵ حدود یک سال پس

تشکیلات و فرماندهان عملیات کربلا ۵ یک: فرماندهان قرارگاه‌ها و یگان‌های عملیاتی

ردیف	نام	سمت	راوی قرارگاه یا یگان
۱	حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی	فرمانده عالی جنگ و فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء ^(ع)	-
۲	محسن رضایی	فرمانده عملیات و فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء ^(ع) ۱	محمد درودیان
۳	علی شمشانی	فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران	اسدالله احمدی
۴	سید رحیم صفوی	جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه	جواد زمانزاده
۵	حجت‌الاسلام عبدالله میثمی (شهید)	مسئول دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم‌الانبیاء ^(ع) ۱	-
۶	احمد غلامپور	فرمانده قرارگاه کربلا	مجید مختاری
۷	محمدعلی (عزیز) جعفری	فرمانده قرارگاه قدس	علی فتحی (شهید)
۸	مصطفی ایزدی	فرمانده قرارگاه نجف	حسین اردستانی
۹	باقر قالیباف	فرمانده لشکر ۵ نصر	سید علی خاتمی
۱۰	عبدالمحمد رئوفی	فرمانده لشکر ۷ ولی عصر ^(عج)	حمیدرضا فراهانی
۱۱	احمد کاظمی (شهید)	فرمانده لشکر ۸ نجف اشرف	مهدی انصاری
۱۲	اسماعیل دقایقی (شهید)	فرمانده لشکر ۹ بدر	-
۱۳	علی فضلی	فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا ^(ع)	یدالله ایزدی
۱۴	قدرت‌الله احمدی	فرمانده تیپ ۱۲ قائم ^(ع)	غلامرضا ثانی‌نژاد
۱۵	حسین خرازی (شهید)	فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین ^(ع)	سیدمحمداسحاقی (شهید)
۱۶	غلامرضا جعفری	فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب	مسعود سرمدی
۱۷	کاظم میرحسینی	فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر	مجید مرادی
۱۸	نبی رودکی	فرمانده لشکر ۱۹ فجر	علی مزدهی
۱۹	اسماعیل قآنی	فرمانده لشکر ۲۱ امام رضا ^(ع)	حسین الله‌داد (شهید)
۲۰	مرتضی قربانی	فرمانده لشکر ۲۵ کربلا	احمد نیک‌روش
۲۱	محمد کوثری	فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول ^(ص)	مهدی خداوردی
۲۲	امین شریعتی	فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا	علیرضا لطف‌الله‌زادگان و علی ایزدی
۲۳	مهدی کیانی	فرمانده تیپ ۳۲ انصارالحسین ^(ع)	حسن بیگدلی
۲۴	جعفر اسدی	فرمانده لشکر ۳۳ المهدی ^(عج)	مرتضی مینا‌پور
۲۵	قاسم سلیمانی	فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله	نادر نوروزشاد
۲۶	علی زاهدی	فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم ^(ع)	حمید صالحی (شهید)
۲۷	سیف‌الله حیدرپور (شهید)	فرمانده تیپ ۴۸ فتح	-

۲۸	روح‌الله نوری	فرمانده تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع)	-
۲۹	حسین همدانی	فرمانده تیپ ۱۰۵ قدس	علیزاده
۳۰	قدرت‌الله منصوری	فرمانده لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا	محمد امیری مقدم(شهید)

دو: معاونت‌های عملیات

ردیف	سمت	نام
۱	معاونت عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) ۱ و جانشین عملیاتی فرمانده کل سپاه	غلامعلی رشید
۲	معاونت عملیات قرارگاه کربلا	احمد صیاف‌زاده
۳	معاونت عملیات قرارگاه قدس	رضا آزادی (شهید)
۴	معاونت عملیات قرارگاه نجف	غلامرضا صالحی (شهید)

سه: معاونت‌های اطلاعات

ردیف	سمت	نام
۱	معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه	محمد باقری (افشردی)
۲	معاونت اطلاعات قرارگاه کربلا	غلامرضا محرابی
۳	معاونت اطلاعات قرارگاه قدس	احمد سوداگر
۴	معاونت اطلاعات قرارگاه نجف	حسین الله کرم
۵	معاونت اطلاعات قرارگاه نصرت	حمید رضانی (شهید)

چهار: فرماندهی‌ها

ردیف	سمت	نام
۱	فرمانده توپخانه سپاه پاسداران	حسن شفیع‌زاده (شهید)
۲	فرمانده توپخانه نیروی زمینی سپاه پاسداران	یعقوب زهتی (زهدی)
۳	فرمانده زرهی سپاه پاسداران	فتح‌الله جعفری
۴	جانشین فرماندهی زرهی سپاه پاسداران	محمد پاکپور
۵	فرمانده عملیات هوایی (ارتش)	عباس بابایی (شهید)
۶	فرمانده عملیات هوانیروز (ارتش)	منصور علیزاده شالچی
۷	فرماندهی مهندسی و رئیس ستاد کل سپاه پاسداران	محمد فروزنده
۸	فرماندهی لجستیک عملیات و وزیر سپاه پاسداران	محسن رفیق‌دوست
۹	مسئول فرماندهی مخابرات سپاه پاسداران	مصطفی ربیعی
۱۰	فرمانده تیپ موشکی سپاه پاسداران	حسن تهرانی مقدم (شهید)
۱۱	مسئول فرماندهی پدافند هوایی سپاه پاسداران	محمدعلی احمدی
۱۲	مسئول فرماندهی ادوات سپاه پاسداران	علی عساکره
۱۳	فرمانده تیپ امام صادق(ع) (تیپ طلاب)	حجت‌الاسلام ذوالنور ^(۲۹)

منابع و مأخذ:

۱. حسین علایی، *روزند جنگ عراق ایران و عراق*، جلد دوم، تهران: نشر مرز و بوم، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵.
۲. محمد حسین جمشیدی، محمود یزدان فام، *روزشمار جنگ ایران و عراق* (جلد ۴۷: آخرین تلاش‌ها در جنوب، پیامدهای عملیات کربلای ۵ در منطقه و جهان - عملیات کربلای ۸)، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲.
۳. محمد درودیان، *نبرد در شرق بصره*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴.
۴. محمد حسین جمشیدی، محمود یزدان فام، *روزشمار جنگ ایران و عراق*، پیشین ص ۱۲۳.
۵. حسین علایی، *روزند جنگ عراق ایران و عراق*، پیشین، ص ۳۱۳.
۶. حسین اردستانی، *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق* (تنبیه متجاوز)، جلد سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۸۸.
۷. عبدالحلیم ابوغزاله؛ *جنگ عراق و ایران*، ترجمه نادر نوروزشاد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۱۶۰ - ۱۵۹.
۸. حسین اردستانی، *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*، پیشین، ص ۲۴۵.
۹. محمد درودیان، *نبرد در شرق بصره*، پیشین، ص ۷۰.
۱۰. حسین علایی، *روزند جنگ عراق ایران و عراق*، پیشین، صص ۳۰۶ - ۳۰۵.
۱۱. محمد درودیان، "انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۵، چالش‌ها و تدبیرها"، فصلنامه *نگین ایران*، زمستان ۱۳۸۵، ص ۵۳.
۱۲. محمد درودیان، *نبرد در شرق بصره*، پیشین، ص ۴۴.
۱۳. حسین اردستانی، *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*، پیشین، ص ۲۵۱.
۱۴. کوین ام. وودز، ویلیامسون، مورای، توماس هولادی، *جنگ صدام*، ترجمه داود علمایی، تهران: نشر مرزوبوم، ۱۳۹۰، صص ۱۶۴ - ۱۶۳.
۱۵. جنگ عراق و ایران، جنگ اول خلیج فارس، فصل «قبل از یغادرنا التاریخ»، سپهد ستاد رعد مجید رعدحمدانی، فرمانده سپاه دوم گارد ریاست جمهوری عراق، ۲۰۰۷م. کتاب منتشر نشده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ص ۱۱۰.
۱۶. مأخذ ۱۴، ص ۱۶۶.
۱۷. جنگ عراق و ایران، جنگ اول خلیج فارس، پیشین، ص ۱۱۱.
۱۸. مأخذ ۱۴، ص ۱۶۶.
۱۹. مأخذ ۱۴، ص ۱۶۷.
۲۰. جنگ عراق و ایران، جنگ اول خلیج فارس، پیشین، ص ۱۱۳.
۲۱. همان، ص ۱۶۸.
۲۲. همان، ص ۱۱۷.
۲۳. دکتر فرهاد درویشی *استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۳، ص ۴۸۰.
۲۴. حسین علایی، *روزند جنگ عراق ایران و عراق*، پیشین، ص ۲۹۵.
۲۵. محمد درودیان، *نبرد در شرق بصره*، پیشین، صص ۲۰۶ - ۲۰۴.
۲۶. حسین اردستانی، *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*، پیشین، صص ۲۸۸ - ۲۸۶.
۲۷. محمد درودیان، *نبرد در شرق بصره*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۹۲، صص ۲۱۷ - ۲۲۵.
۲۸. حسین علایی، *روزند جنگ عراق ایران و عراق*، پیشین، صص ۳۲۰ - ۳۱۸.
۲۹. مأخذ ۷۲.